

پژوهشنامه تمدن ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

واکاوی نهاد وقف در دوره سلاجقه کرمان (۵۸۳-۴۳۳ ه.ق)

فاطمه سلطانی نژاد^۱

سید محمد طیبی^۲

چکیده:

سنت حسنه وقف، یکی از مصادیق بارز احسان و خیرخواهی است که انسان تحت تأثیر آموزه‌های انبیاء، آنرا از دیرباز بنیان نهاده و همواره با ایجاد بناهای عام المنفعه و معین کردن موقوفاتی برای آنها، به بخش عظیمی از نیازهای جامعه خود پاسخ داده است. به عبارت دیگر، موقوفات توانسته اند در ادوار مختلف تاریخی نقشی موثر ایفا کنند و با کارکردهای مختلف، در تأسیس و تداوم حیات نهادهای فرهنگی، اقتصادی و عام المنفعه تأثیر فراوان داشته باشند. این نوشتار درصدد تبیین نهاد وقف در کرمان در قرن پنجم هجری و طی زمامداری سلجوقیان کرمان می باشد. بدین منظور ابتدا ضمن بیان شمه ای در باب چگونگی شکل گیری دولت سلاجقه کرمان، نهاد وقف را طی این دوره زمانی مورد بررسی قرار می دهد. و نقش و اهتمام زمامداران سلجوقی را در برپایی موقوفات مشخص می کند. یافته‌های پژوهش گویای آن است که در دوره حکومت سلاجقه بر کرمان، سنت وقف، گسترش قابل توجهی یافت و به دنبال آن، امور عام المنفعه و انجام گرفتن بسیاری از خدمات رفاهی، مورد توجه حکام و اوقاف قرار گرفت. روش تحقیق در این پژوهش از نوع روش تاریخی با رویکرد توصیفی — تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای صورت پذیرفته است.

کلیدواژگان: نهاد وقف، کرمان، سلاجقه، ملک قاورد، مسجد ملک

^۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شهید باهنر کرمان. (نویسنده مسئول). fatemeh.soltani974@gmail.com

^۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید باهنر کرمان. m.tayybi@uk.ac.ir

An Investigation of Devotion in the Seljuk Period of Kerman (443-583 AH)

Abstract

The good tradition of devotion (waqf) is one of the evident examples of beneficence and benevolence that man, under the influence of the teachings of the prophets, has established for a long time and has always responded to a large part of the needs of his society by creating public buildings and determining endowments for them. In other words, endowments, with different functions, have played a significant role in various eras and could be largely effective in the establishment and maintenance of cultural, economic and public institutions. This study is to shed light on devotion in Kerman in the fifth century AH, during the Seljuk period. To this aim, after giving an introduction on how the Seljuk government was formed in Kerman, devotion in this period will be investigated and the Seljuk rulers' role and efforts in promoting endowments will be identified. The findings suggest that during the Seljuk rule in Kerman, the tradition of devotion had a remarkable expansion, as a consequence of which public affairs and the provision of welfare services came into the attention of rulers and benefactors. The research method was historical with a descriptive-analytical approach and based on library studies.

Keywords: Devotion, Kerman, Seljuk, Malek Ghavord, Malek mosque.

۱- مقدمه

وقف در لغت به معنای ایستادن، حبس کردن مال یا مستغلی در راه خدا است (معین، ۱۳۸۷: ۱۶۸۹) و در اصطلاح عبارت است از حبس کردن مال، تصرف نکردن در آن و بخشیدن منفعت‌های آن و حق استفاده از آن در خیر. به عبارتی وقف به معنی نگاه داشتن دائمی اصل مال و بهره‌برداری از منافع آن برای خیرات است (سلیمی‌فر، ۱۳۷۰: ۱۱).

در جامعه اسلامی نهاد وقف پیشینه دیرینه‌ای دارد و حتی برخی برآنند که اولین موقوفه در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) به وجود آمده است (عالم زاده، ۱۳۷۲: ۴۴). با ورود اسلام به ایران، این سنت حسنه در نقاط مختلف این سرزمین نیز جاری و ساری شد و از آن پس به طور مستمر و مداوم در پویه تاریخ سرزمین ایران به حیات خود ادامه داد. در ایران با داشتن تمدنی غنی و مردمانی روشنفکر، که همواره پیرو اندیشه، گفتار و کردار نیک بوده‌اند، حس خیرخواهی و نیک اندیشی در ادوار مختلف مانند دوره سلجوقی، نسبت به دوره‌های دیگر، نیرومندتر بوده است و در سراسر ایران بناهای عام المنفعه بسیاری ساخته شد و املاک بسیاری برای بقای آن‌ها، وقف گردید.

۱-۱- بیان مسأله

سلجوقیان در طول سال‌های ۴۳۳ تا ۵۸۳ ه ق و پس از فتح کرمان به دست قاوردیگ، تا انقراض این حکومت به دست غزها، قریب به یک قرن ونیم، در کرمان حکومت کردند. اگر چه در این مدت تقریباً طولانی در امور داخلی خود کاملاً مستقل بودند اما تحت تأثیر تحولات قلمرو سلجوقیان بزرگ بودند. سلاجقه در کرمان تحولات شهرسازی را مدنظر قرار دادند، بناهای عام المنفعه بسیاری را ایجاد نمودند و موقوفاتی را برای پایداری آن‌ها قرار دادند. پژوهش حاضر در صدد است وضعیت وقف در کرمان دوره سلجوقی را مورد بررسی قرار دهد. بنابراین سعی خواهد شد با روش توصیفی-تحلیلی به این سوال پاسخ دهیم که در دوره حکومت سلاجقه بر کرمان، وقف از چه جایگاه و کارکردهایی برخوردار بوده است؟

۱-۲- پیشینه پژوهش

هر چند که در مورد نهاد وقف در ایران تحقیقات زیادی صورت گرفته است اما سوابق تحقیق درباره موضوع وقف در کرمان در دوران حکوت سلاجقه بسیار مختصر است. در این رابطه چندین مقاله نگارش یافته است که در ابتدا میتوان به مقاله «وقف در ایران» نوشته آن لمبتون نویسنده و شرق شناس انگلیسی اشاره کرد که به بررسی تاریخ وقف در ایران پرداخته است و در اثر خود وقف در ایران را تا اواخر قاجار مدنظر قرار داده است این مقاله در سال ۱۳۸۸ در مجله مشکوه به چاپ رسیده است. همچنین در مقاله‌های تحت عنوان «وقف در کرمان از اسلام تا مشروطه» که توسط طهره قاسم زاده نگاشته شده و در سال ۱۳۹۰ در مجله وقف میراث جاویدان به چاپ رسیده است به صورت مختصر وقف در کرمان را از اسلام تا زمان مشروطه مورد بررسی قرار داده است. هم چنین در کتاب «تاریخ سلجوقیان کرمان» تألیف محسن مرسل پور، که انتشارات کرمان شناسی آن را منتشر کرده است بصورت محدودی به اوقاف کرمان طی این دوره اشاره شده است. در هیچ یک از این آثار همه جوانب اوقاف در کرمان در دوره سلاجقه به طور کامل و مستقل مورد واکاوی و بررسی قرار نگرفته است.

۱-۳- ضرورت و اهميت تحقيق

بدون تردید در تاریخ ایران بعد از اسلام نهاد وقف با توجه به ماهیت دینی، اقتصادی و اجتماعی آن، از نهادهای مورد توجه توده های مردم و حکومتگران بوده است. بنابراین بررسی و شناخت چگونگی کارکرد، تبلور و کارنامه آن، از موضوعات و مباحث در خور اهمیت و جاذب برای پژوهشگران حوزه های اقتصادی، دینی و اجتماعی بوده است.

وقف به لحاظ تاثیر و کارآمدی در دولت ها و حاکمیت های محلی ایران از جمله حاکمیت محلی سلاجقه کرمان، نیز از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. براین اساس برای شناخت و معرفی نهاد وقف و بررسی کارکردهای وقف در دوره مزبور، به دلیل خلاء پژوهشی و عدم انجام پژوهشی مستقل با این عنوان، میتوان به ضرورت انجام چنین پژوهشی پی برد.

۲- اوضاع سیاسی کرمان همزمان با حکومت سلجوقیان (۵۸۳-۴۳۳ ه.ق)

سلجوقیان طایفه ای از ترکان غز بودند که با مهاجرت از ترکستان در مناطق نزدیک ماورالنهر مسکن گزیده و همسایه ی دولت های خود مختار ایران یعنی سامانیان، قراخانی و غزنویان شدند. جدّ سلجوقیان به نام دقاق در میان غزها به تمیربالیغ (کمان آهنین) شهرت داشت که احتمالاً به مناسبت مهارت وی در تیراندازی بوده است (ستار زاده، ۱۳۹۰: ۴۰). سلجوق بن دقاق پس از مرگ پدرش، مقام سوباشی را بدست آورد و این افزایش قدرت وی، ییغوفرمانروای اغوزها را بیمناک کرد. در نتیجه اختلاف بین آنها سبب جدایی سلاجقه از سایر غزها شد. سلاجقه در مدت کوتاهی توانستند قدرت و نفوذ سیاسی خود را در خاورمیانه بسط دهند و با خلع سلطان مسعود غزنوی از سلطنت، و تحکیم قدرت خویش، به تقسیم نواحی متصرفی پرداختند. طغرل بیگ سلجوقی، قاورد را مأمور فتح کرمان کرد. هنگامی که قاورد به کرمان حمله کرد این ولایت در دست ابی کالیجار دیلمی بود و بهرام بن زکی نامی از طرف کالیجار در کرمان حکومت می کرد. در این زمان ابی کالیجار در خوزستان بود و چون از حمله قاورد به کرمان با خبر شد به طرف کرمان حرکت کرد اما در بین راه به وسیله ی یکی از خادمانش مسموم شد و برخی نیز می گویند به مرگ طبیعی مرد (همت کرمانی، ۱۳۸۹: ۶۰).

با مرگ ابی کالیجار، حکومت قاورد در کرمان آغاز شد. در مورد آغاز حکومت قاورد در میان مورخان اختلاف وجود دارد. عده ای از مورخان، سال ۴۳۳ ه ق را آغاز حکومت سلاجقه کرمان می دانند. (میر خواند، ۱۳۸۰: ۴ / ۳۲۶۶) و برخی دیگر آغاز حکومت قاورد را سال ۴۴۲ ه ق می دانند (افضل الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۳) در مقابل بنداری نیز آغاز حکومت وی را سال ۴۴۷ ه ق می دانند. « قاورد فرزند داود برادر آلب ارسلان بود که در روزگار عمش طغرل در سال ۴۴۷ ه ق در خطه کرمان فرمانروا شد. » (بنداری، ۱۳۵۵: ۳۷)

پس از مرگ ابی کالیجار، مملکت کرمان به چنگ ملک قاورد افتاده و شهرهای کرمان تمامی سر تسلیم فرود آوردند به جز چند قبیله از جمله قوم قفص که قومی شیر و جنگ آور بودند. قاورد ابتدا سعی کرد با قوم قفص مصالحه کند و به تثبیت موقعیت خود بپردازد. بنا بر این با ارسال منشوری و به رسمیت شناختن آن‌ها در قسمت اعظم منطقه جروم^۱ توانست برای مدت زمانی از تهدیدات احتمالی آن‌ها در امان باشد. (همان: ۵۳) اما در نهایت با فرستادن جاسوسانی در بین آن‌ها در فرصتی مناسب آن‌ها را نیز تار و مار کرد. ملک قاورد پس از غلبه بر قفص‌ها و تسلط کامل بر کرمان، عازم فتح عمان شد که از مدت‌ها پیش به صورت مستقل اداره می‌شد و در این امر از امیر هرموز خواست که تجهیزات سفر را برای او فراهم کند. با کمک امیر هرموز قاورد به عمان حمله برد (روستا، ۱۳۹۲: ۷۷).

قاورد تا زمانی که طغرل قدرت را در دست داشت همواره تابع وی بود اما با جانشینی آلب ارسلان به عنوان اعتراض به فارس حمله برد و آن‌جا را فتح کرد. بعد از مرگ آلب ارسلان، ملک‌شاه بر تخت نشست. قاورد که به حکم کبرسن و غرور، سلطنت و پادشاهی ملک‌شاه را که کم سن و سال بود به رسمیت نمی‌شناخت به تشویق امرا و به هوس سلطنت عراق عازم همدان شد اما در جنگی که بین او و ملک‌شاه به وقوع پیوست سرانجام شکست خورد، چند روزی در زندان به سر برد و بالاخره کشته شد (افضل الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۱۳ - ۱۲).

قاورد در هنگام لشکر کشی علیه ملک‌شاه، فرزندش کرمانشاه را جانشین خود کرد. وی پس از مرگ پدر یک سال فرمانروایی کرد و سپس در گذشت (محمد بن ابراهیم، ۱۳۴۳: ۱۶). سلطان شاه، در جنگ قاورد علیه ملک‌شاه همراه پدر بود و بعد از قتل قاورد چشمان وی را میل کشیدند اما سلطان شاه را بنا بر « تقدیر سمیع بصیر آینه ی بصر از آه قصد تیره نشد. » او را فردی از نزدیکان پدرش ملک قاورد از زندان ملک‌شاه نجات داد و به کرمان آورد. (افضل الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۱۶)

وی تا سال ۴۷۷ ه ق بدون هیچ مخالفی به حکومت پرداخت و در طول حکومتش به جز عیش و نوش به امر دیگری نپرداخت. اگر چه افضل الدین کرمانی در بدایع الزمان وی را فردی عشرت طلب معرفی کرده، اما کسانی چون وزیر وی نیز از او به عنوان پادشاهی عادل و دادگر یاد می‌کند که در سال ۴۷۷ ه ق به مرض استسقاء در گذشت (وزیری، ۱۳۸۵: ۳۵۹).

سلطان شاه در سال ۴۷۷ ه ق پس از ده سال پادشاهی در گذشت. در هنگام مرگ وی از فرزندان قاورد تنها توران شاه در حیات بود که از جانب سلطان شاه امارت بم را بر عهده داشت. در واقع هدف سلطان شاه از دادن امارت بم به توران شاه، لیاقت و کاردانی او نبوده است بلکه بر این اعتقاد بود که از وی کاری بر نمی‌آید (مرسل پور، ۱۳۸۷: ۶۸). چنانچه افضل گوید « او را به جانب بم فرستاد نه بر طریق نیابت بل بحکم استهانت » (افضل الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۱۷)

در واقع معاشرت بیش از حد توران شاه با مردم و سخن گفتن او به لهجه ی کرمانی این شبهه را در میان مردم به وجود آورده بود که وی لیاقت فرمانروایی را ندارد و رفتاری شبیه زنان دارد. وزیر توران شاه ناصر الدین اتابک مکرّم بن علاء فردی عمارت دوست بود که تحت تاثیر وی به اصلاح ساختار بردسیر دست زد. افضل الدین کرمانی دوران فرمانروایی توران شاه در کرمان را ستوده و وی را پادشاهی دادگر معرفی کرده است. « چون قباہ ملک بر قامت قداوراست بایستاد، ساز عدلی ساخت که مردم نواحی‌ها انصاف انوشروان فراموش کردند ». (همان‌جا) توران شاه، دوبار به فارس لشکر کشید. در نوبت اول شکست خورد و بازگشت و در نوبت دوم با سپاهی مجهّز تر به فارس حمله برد و فارس را تصرف کرد. از دیگر اقدامات تورانشاه لشکر کشی به عمان و سرکوب خوارج آنجا بود (مرسل پور، ۱۳۸۷: ۷۰-۶۹).

۱. جروم شامل نواحی گرم و گرمسیر کرمان مانند بم، نرماشیر، ریگان و جیرفت بوده است. (ر. ک: تاریخ شاهی، ۲۵۳۵: ۲۹۲)

با مرگ توران شاه در سال ۴۹۰ ه. ق امرا و بزرگان فرزندش ایرانشاه را بر تخت نشانند. وی تنها پادشاه سلجوقی کرمان بود که باشورش و طغیان مردم مواجه شد (همان: ۷۱). ایرانشاه رابطه خوبی با علما نداشت و به علت رابطه با باطنیان و ملاحظه از مسیر ایمان و اسلام منحرف شد. علما و قضات بر خلع وی متفق شدند و به فتوی قاضی ابوالعلاء بکویه و امام تاج الفقرا خونش مباح شد و با شورش که توسط مردم رخ داد کشته شد (افضل الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۲۰). ایرانشاه در طول پنج ماه پادشاهی ظالمانه ی خود تمام اولاد و تبار قاورد را به قتل رساند و یا میل کشید. اعیان کرمان بعد از وی ارسالن شاه بن کرمانشاه را که از ترس ایران شاه نزد کفشگری مخفی شده بود بر تخت نشانند. وی در مدت چهل و دو سال سلطنت خود بساط عدل و داد را گستراند (مستوفی، ۱۳۶۴: ۴۷۲؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۴ / ۳۲۶۶). وی به منظور افزایش قدرت خود، دست به ازدواج سیاسی زد و با ازدواج با دختر محمد بن ملکشاه به تحکیم مناسبات حسنه خود با سلجوقیان بزرگ پرداخت (محمد بن ابراهیم، ۱۳۴۳: ۳۴).

بعد از مرگ ارسالن شاه علیرغم این که کرمانشاه ولیعهد بود فرزندش ملک محمد به قدرت رسید و منسجم ترین نظام جاسوسی را از ترس سلجوقشاه برادر دیگرش، بنیان نهاد. به گفته ی افضل الدین کرمانی وی پادشاهی عادل، دانا، علم پرور و حق گستر بود و در زمان فرمانروایی وی کرمان محل آسایش و امنیت شد. به طوری که در نتیجه توجه و علم دوستی وی، میل به تحصیل و علم آموزی بسیار شد (افضل الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۲۴). در اولین سال از حکومت او سلجوق شاه قیام کرد و در جنگی که بین دو برادر در حوالی جیرفت رخ داد سلجوق شاه شکست خورد (مرسل پور، ۱۳۸۷: ۷۹).

« طغرل شاه در سال ۵۵۱ ه. ق به دور پادشاهی رسید به حکم ارث سریر مملکت را به جمال همایون خویش بیاراست، پادشاهی بود عادل، رحیم، لطیف، مشفق بر رعیت » (افضل الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۲۹) او پس از این که مدعیان سلطنت از جمله برادرش محمد شاه و عمویش سلجوق شاه را به قتل رساند، با آسودگی در کرمان حکومت راند سپس در سال ۵۶۳ ه. ق در جیرفت در گذشت. پس از مرگ طغرل میان فرزندانش بهرام شاه، ارسالن شاه و توران شاه مدت ۲۰ سال جنگ و نزاع در جریان بود و هر چند گاه یکی بر دیگری پیروز می شد و مدتی فرمانروایی می کرد و بدین طریق اختلال و پریشانی بر مردم کرمان مسلط می شد (خواند میر، ۱۳۸۰: ۲ / ۵۳۷).

ملک ارسالن بن طغرل پادشاهی صاحب جمال، عادل و جوانمرد بود و بخاطر رفتار و منش جوانمردانه ای که با مردم داشت در میان آنها محبوب و مورد احترام بود (محمد بن ابراهیم، ۱۳۴۳: ۱۹۹). تورانشاه پادشاهی بود که هزل بر وی غالب بود و در مجالس عشرت پدرش حرکات سخیف و مسخره انجام می داد (مرسل پور، ۱۳۸۷: ۸۵). بهرام شاه نیز پادشاهی عاقل و کاردان بود اما در میان مردم وجهه خوبی نداشت و به سبب خشوتی که از خود نشان می داد بسیاری از امر او غلامان با او رابطه خوبی نداشتند و سرانجام نیز بسیاری از آنها توسط وی هلاک شدند (افضل الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۳۲).

ابتدا بهرام شاه در سال ۵۶۳ ه. ق به خدمت ارسالن شاه بن طغرل به همدان رفت و با کمک او و امیر ناصرالدین اقوش در کرمان به قدرت رسید. در سال ۵۶۷ ه. ق بهرام شاه درگذشت و ارسالن شاه به

قدرت رسید تا اینکه در سال ۵۶۹ ه ق در جنگی که بین دو برادر در حدود جیرفت در گرفت ارسلان شاه بقتل رسید و تورانشاه در کرمان بر تخت نشست (سهرابی، ۱۳۹۰: ۲۰). قدرتمندترین آن‌ها توران شاه بود که در سال ۵۷۹ ه ق کشته شد. در همین سال محمد شاه پسر بهرام شاه به جای عمویش توران شاه بر تخت نشست. اما حکومت او بسیار کوتاه بود و با شورش فردی بنام مبارکشاه سلجوقی مواجه شد. محمد شاه به سلطان ارسلان پناه برد و او با سپاهی بزرگ به یاری وی شتافت آنان توانستند مبارکشاه را شکست دهند. بدین گونه پادشاهی محمد در کرمان تثبیت شد. اما هنوز یک سال از حکومتش نگذشته بود که ملک دینار وی را عزل کرد و به عمر دودمان قاوردی پایان داد (حلمی، ۱۳۸۳: ۵۵)

۳ - وضعیت وقف کرمان در دوره حاکمیت سلجوقیان (۵۸۳-۵۴۳ ه.ق)

شهر کرمان در طول تاریخ پر فراز و نشیب همواره عرصه ی یکیه تازی و کشمکش‌های پی در پی حکام بسیاری بوده است. در نتیجه آثار و ابنیه تاریخی این شهر نیز در انقلابات و تحولات این سرزمین رنج کشیده و آسیب دیده از میان رفته است و حتی موقوفات آن‌ها که متضمن پایداری و بقای آن‌ها بود، نتوانسته است آن‌ها را از گزند روزگار در امان نگه دارد.

احمد علی خان وزیر نویسنده تاریخ کرمان می‌نویسد:

«اغلب حکامی که به کرمان می‌آمده اند با تغلب و تجبر املاک مردم را مصادره کرده یا به ثمن بخس می‌خریده اند و یا وسایلی فراهم می‌کرده اند که مردم ثمن بخش ملک خود را بفروشند.» (وزیری، ۱۳۸۵: ۲۱ - ۲۰)

پس از ورود اعراب به کرمان، بسیاری از اموال و املاک مردم بومی توسط آن‌ها تصرف شد و به منظور ساخت باغ و قنات مورد استفاده قرار گرفت. مردم نیز برای جلوگیری از دست اندازی حاکمان غاصب به اموالشان تدبیری تازه اندیشیدند و املاک خود را وقف می‌کردند تا تحت عنوان وقف و با پشتیبانی معنوی خاندان رسالت، بسیاری از املاک از تسلط و تصرف غاصبین در امان باشند (همانجا). شاردن در سفرنامه اش در مورد اهمیت موقوفات در ایران می‌گوید: «موقوفات در ایران جنبه تقدس دارد و اگر کسی حتی یک روز پیش از آن که شاه داراییش را مصادره کند خانه یا دیگر مستغلاتش را وقف کرده باشد شاه نمی‌تواند آن‌ها را تصرف و تملک کند.» (شاردن، ۱۳۷۲: ۴ / ۱۳۴۱)

هم چنین در سفرنامه دیولافوا آمده است:

«مسلمانان خیراندیش قبل از مرگ، غالباً یک ثلث از املاک و دارائی خود را وقف مسجد و مدرسه و یا اعمال خیر دیگر از قبیل روضه خوانی و اطعام مساکین و غیره می‌کنند. واقف حق دارد که تولیت املاک موقوفه را به اولاد و یا اقوام نزدیک خود بدهد و تولیت را نسل اندر در اعقاب خود باقی گذارد.» (دیولافوا؛ ۱۳۷۷: ۲۰۳)

«گویا بسیاری از املاک حدود کرمان بخصوص سیرجان در آن زمان بصورت وقف در آمده است و به قول یکی از روحانیون آن حدود که هر وقت قباله ای برای امضا نزد وی می‌بردند از امضای قباله با این دلیل که پنج دانگ و نیم ملک سیرجان وقف است و در نیم دانگ آن هم شک دارم خود داری می‌کرد. به احتمال زیاد حتی وقف املاک نیز نتوانسته است املاک وقفی را از چنگ مستضعفین حفظ کند.» (وزیری، ۱۳۸۵: ۲۱ - ۲۰)

بنابراین، گاه این تدبیر یعنی وقف املاک برای حفظ و بقای آن باعث خرابی املاک نیز می‌شد چرا که متولی با این اطمینان که ملک مدت کوتاهی و نه بیش تر در دست او نخواهند ماند و به فرد دیگری

انتقال می‌یابد نه تنها به آبادی ملک رغبتی نشان نداده و درختی در آن نمی‌کاشت بلکه به خرابی و ویرانی آن می‌پرداخت (همان: ۲۲).

در مورد موقوفات شهر کرمان در دوران اولیه اسلامی به دلیل فقر منابع، اطلاعاتی در دست نیست و اگر وقفی انجام می‌شده است چندان چشمگیر نبوده است. از اوایل نیمه دوم قرن سوم هجری ایران عرصه حکمرانی حکومت‌های پر قدرت و نیمه مستقلی چون علویان طبرستان، آل لیث در سیستان، آل سامان در ماورالنهر، طاهریان و صفاریان و سامانیان در نقاط مختلف بود. اطلاعات در مورد وضعیت وقف در دوره طاهریان، آل بویه، صفاریان و سامانیان بسیار پراکنده است. (لمبتون، ۱۳۸۸: ۸۰) نوع امارت این امرا در ایران گاهی به صورت نیمه مستقل بود و گاهی کاملاً با استقلال حکومت می‌کردند و در انجام مسائل دینی و مذهبی خود تابع احکام مذاهب اهل سنت و جماعت بودند. در این حکومت‌ها دین در خدمت حکومت و خلافت بود و از جهات خیریه بیش تر به مساجد توجه می‌شد. (بن سلمان، بی تا: ۵۹) چنان که عمرولیث صفاری در زمان حکمرانی بر کرمان و فارس مساجدی را در این دو ایالت بنا کرد. امیران الیاسی نیز به امر مسجد سازی در ایالت کرمان بی توجه نبوده اند و در خبیص مسجدی بدست ابوعلی محمد بن الیاس، اولین حاکم الیاسی ساخته شده است. در دوره آل بویه نیز عضدالدوله مناره ای شگفت انگیز برای مسجد سیرجان ساخت. (خداوردی، ۱۳۸۶: ۱۵۰-۱۴۹)

قدیمی ترین موقوفات بر جای مانده در شهر کرمان مربوط به قرن پنجم هجری و در دوران فرمانروایی سلاجقه بر کرمان است. در این دوره سلاجقه به عمران و آبادانی کرمان پرداختند و تحولات شهرسازی را ایجاد کردند. در واقع سلاطین و وزیران و امیران و بزرگان عهد با توجه به نیازهای اساسی جامعه ی خود در جهت ارضای نیازهای مادی و معنوی مردم کوشیده اند. به طوری که در بیرون شهر بنای حکومتی یا ارگ ساختند و در کنار آن مساجد، مدارس، خانقاه، دارالشفای و دیگر بناهای عام المنفعه ایجاد نموده و برای پایداری این ابنیه، موقوفاتی را بر آن ها قرار دادند (قاسم زاده، ۱۳۹۰: ۱۶). در سفر نامه شاردن در مورد وقف آمده است:

« آنان که دارایی بسیار به دست می‌آورند و خود و فرزندانشان را بی نیاز می‌بینند به ساختن بناهای عام المنفعه از قبیل مدرسه برای سکونت و تحصیل طلاب علوم دینی و بنای کاروانسرا بر سر شاهراه‌ها که کاروانیان و مسافران رایگان در آن‌ها بیاسایند و ساختن پل و مسجد و وقف منابع در آمدی که از محل آن طلاب روزی بخورند و صدقه داده شود اقدام می‌کنند. ایرانیان بنای این گونه آثار را ثواب آخرت می‌گویند و بر این اعتقادند که این اعمال خیر جاری است و ثوابش بر دوام است. زیرا آنان که در کاروانسرا رنج راه را از تن بیرون می‌کنند یا از بالای پل آسان می‌گذرند یا طلابی که در مدرسه سکونت می‌کنند و از موقوفاتش روزی می‌خورند هم در حق بنای این آثار خیر و دعای خوب می‌کنند » (شاردن،

۳-۱- بناهای وقفی با عملکرد مذهبی در دوره سلاجقه کرمان

وقف یک حرکت فرهنگی، مذهبی است که در صدد احیای فرهنگ الهی در جامعه است. این سنت بر پایه ی گذشت از مال در راه خدا و در اختیار گذاشتن امکانات مادی در راه رضای خدا برای خدمت به جامعه است (بشیر، ۱۳۹۳: ۱۵۲). به عبارت دیگر می توان عقاید مذهبی را یکی از عناصر موثر بر افزایش موقوفات به شمار آورد. در حکومت های ایرانی بعد از اسلام، ساخت مسجد و خانقاه، بخش قابل توجهی از اقدامات وقفی حاکمان را به خود اختصاص می داد. در واقع بخش اعظم اوقاف در جهت بهره وری مسجدها و خانقاهها بود و درآمد آن به عالمان و اطعام بینوایان در جشن های مذهبی و برگزاری مجالس دینی و روضه خوانی و غیره اختصاص داشت. قاورد سر سلسله سلاجقه کرمان علیرغم ساختن کاروانسراها و آبادانی جاده ها که به امور تجاری کمک فراوانی کرد با درگیری در منازعات سیاسی در کرمان اقدام عمرانی مهمی انجام نداد (مرسل پور، ۱۳۸۷: ۱۴۸).

در واقع قاورد فردی سختگیر بود که از همان روز نخست نشان داد بر خلاف دیگر سلاطین که برای کسب مقبولیت و محبوبیت در میان مردم به اقدامات مذهبی و بر پایی موقوفات روی می آورند، اعتنائی به بسیاری اصول ندارد. در مورد اقدامات مذهبی قاورد نیز باید ریشه ی چنین مسائلی را در قاضی فزاری جست و جو کرد. اما متأسفانه اطلاعات ما از وی اندک است (مرسل پور، ۱۳۸۷: ۱۱۹). اگر چه مؤلف زبده التواریخ از او به عنوان فردی نادان یاد می کند که محرک اصلی طغیان قاورد علیه آلب ارسلان است. «ملک کرمان، قرار ارسلان را نادان وزیری بود که خروج بر سلطان را چندان در نظرش آراست که او نیز پذیرفت.» (حسینی، ۱۳۸۰: ۷۶ - ۷۵) اما وی منشاء خدماتی در زمینه ی عمرانی بوده است و می کوشید با انجام کارهای عمرانی محبوبیتی در میان مردم کسب کند. از همین رو به ساخت اماکن علمی و مذهبی همت گماشت. از جمله کارهای عمرانی وی تأسیس مدرسه ای در شیراز بود که این وزیر ضیاع فراوانی را بر آن وقف کرد (باستانی پاریزی، ۱۳۹۴: ۳۵۶؛ آیتی، ۱۳۸۳: ۱۶۲). هر چند در خصوص بانی این مدرسه نیز ابهاماتی وجود دارد. چنان که معین الدین ابوالقاسم جنید شیرازی، مولف "شداآزار"، بانی مدرسه فزاریه شیراز را قاضی ابو طاهر محمد بن عبد الله بن حسین بن عبدالله فزاری متوفی در سنه ی ۴۹۳ ه ق می داند که پنجاه سال تمام قاضی القضاة فارس بود و در شهر شیراز وفات کرد و در مدرسه ای که خود بنا کرده، مدفون شده است (شیرازی، ۱۳۲۸: پانویس / ۳۶۰).

دومین وزیر قاورد ناصر الدین مکرّم بن علاء است که بنای رض بردسیر توسط ناصر الدین مکرّم همزمان با سال های آخر حکومت قاورد بوده است. پس از ملک ارسلان قاورد، فرزندش سلطان شاه به تخت حکومت کرمان نشست. سلطان شاه نیز چنان که گفته شد پادشاهی عشرت دوست بود و مدت ده سالی که در کرمان پادشاهی کرد به کاری جز خوش گذرانی و لهو و لعب نپرداخت (صرفی، ۱۳۸۳: ۱۴۲). در دوره ی حکومت تورانشاه ساخت بناهای مذهبی از جمله مسجد و خانقاه مدنظر قرار گرفت. در واقع از دوران سیزده ساله ی حکومت تورانشاه می توان به دوران آغاز جریان فکری فرهنگی تعبیر کرد. وی پادشاهی مهربان و مشفق بر رعیت بود که در جهت عمران و آبادی کرمان تلاش بسیاری کرد. «فاما چون حاکم شد، ضبط نیک کرد و عدل و داد ورزید.» (خوافی، ۱۳۷۵: ۳ / ۲۵) در باب سخاوت و عدالت وی آمده است:

« چون قباہ ملک بر قامت قد او راست بایستاد ساز عدلی ساخت که مردم نواحی ها انصاف انوشروان فراموش کردند و از لطایف حسن سیرت مثلثی آمیخت که غالیه ی عهد عمر بن عبد العزیز در جنب آن بوی نداد » (افضل الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۱۷) وی بسیار عمارت دوست بود به طوری که دستور داد در رض بیرون شهر سرای وی را ایجاد کردند و در کنار آن مدرسه، خانقاه، و گرمابه بنا کرده و موقوفاتی را برای آن تعیین نمود (دریاگشت، ۱۳۷۰: ۵۵).

ساخت خانقاه توسط تورانشاه، نشان دهنده توجه وی به صوفیه بود. بطور کلی در دوره سلجوقی تصوف رشد چشمگیری یافت و بسیاری از پادشاهان و امرا به ساخت خانقاه برای صوفیان مبادرت نمودند (اللهیاری؛ مرسل پور، ۱۳۸۷: ۸۰). در این دوره مراکز متعددی وجود داشت که نه تنها اهل سلوک و عرفان بدان روی می آوردند بلکه گروه های متعددی از طبقات متعدد جامعه نیز به آنجا می آمدند (بادکوبه، موسایی، ۱۳۹۵: ۱۴)

خانقاه، محل تعلیم صوفیه بود و در این زمان یک یا چند خانقاه وجود داشت که موقوفات وافر و خدمه و وسایل زندگی داشت. از مطالعه در احوال صوفیان می توان دریافت که این خانقاهها به قسمت های مختلفی تقسیم میشدند، قسمت بزرگ آن تالار وسیعی به شکل ایوان و امثال آن بود خاص مواقع عمومی مثل ذکر و یا گرد آمدن برای اطعام، قسمت دیگر زوایا و حجرات متعدد بود خاص پیر و سالکان و خادمان. عوائد خانقاهها از محل موقوفات و مساعدت های مالی که مردم به مقدار کثیری می کرده اند فراهم می آمد و شیوخ آنچه را که از این راه بدست می آوردند صرف راه سالکان میکرده اند (صفا، ۱۳۸۷: ۲۵۱/۱-۲۵۰).

وزیری مسجد ملک را از ابنیه ی ملک قاورد سلجوقی می داند و در این باره می گوید:
«مسجد ملک از ابنیه ی ملک قاورد سلجوقی که اول سلاطین سلاجقه کرمان است: در سنه چهار صد و بیست بساخت، کمتر مسجدی به این طول و عرض در سایر بلاد دیده شده، حاجی حسینخان شهاب الملک در زمان حکمرانی کرمان [سنه ی ۱۲۸۵-۱۸۶۸ م] آن را تعمیر نمود.» (وزیری، ۱۳۷۶: ۱۰۶)

در واقع مسجد ملک که در زمان ملک قاورد طراحی شده بود در زمان تورانشاه به اتمام رسید و وی برای بقای آن بازارچه ای در اطراف مسجد ایجاد کرد و دکان های اطراف را وقف بر مسجد کرد (خوشرو، ۱۳۸۷: ۱۹۶). بعد از اتمام مسجد در سال ۴۷۸ ه ق، مستوره دختر توران شاه، قناتی که مجرای آن از وسط مسجد عبور می کرد را دایر نمود که برای وضو ساختن و سایر موارد مورد استفاده قرار می گرفت. اکنون آن قنات نیز خشک و بایر شده است. ولی آثار و اراضی آن در طرف شمال کرمان باقی است (همت کرمانی، ۱۳۸۹: ۶۲).

قبر ملک تورانشاه نیز در حوالی مسجد ملک بوده و محله شاه عادل که هنوز به همین نام معروف است، از یادگارهای وی بشمار می رود. در اطراف این مسجد چهار حمام وجود داشته که جز حمام شیخ الاسلام، بقیه از بین رفته ان. (گلاب زاده، ۱۳۸۵: ۵۲). در باب وقف مسجد ملک چنین آمده است:

«وقتی در شهر رسنه ۴۸۷ درودگری در سرای شهر کار می کرد و شاگردی با وی که به اولاد ترکان مشابهتی داشت. ملک از درودگر بپرسید که این کودک ترک زاده است؟ درودگر بگفت این مسئله حق تعالی از تو پرسد. مادر این پسر می گوید که از من آمده است. ترکی در خانه ی من به حکم نزول ساکن است لابد جواب این ترا باید داد و آنوقت تمام لشکری در شهر بود و ربض هنوز نساخته ملک تورانشاه را سخن درودگر بر آتش قلق و اضطراب نشانند و دیده دلش را از دود اندوه تیره گردانید و حال فرمود تا

مهندس ولایت و استادان بنا را حاضر کردند و در ربض بیرون شهر بنای سرای خویش فرمود و در جنب سرای مسجد جامع و مدرسه و خانقاه و بیمارستان و گرمابه و اوقاف شگرف بر آن‌ها نهاد و فرمود تا امرا دولت و صدور حضرت و معارف ولایت همه در ربض منزل ساختند و چون مکالمه‌ی دروگر و ملک روز سه شنبه بود و همان روز بنا عمارت شد آن محله به محله‌ی سه شنبه‌ی معروف گردید. «(افضل الدین کرمانی، ۱۳۲۶: پانویس / ۱۸)

متأسفانه به دلیل بعد زمان و از بین رفتن موقوفات مسجد، کتیبه‌ها و کاشی‌کاری‌های مسجد از بین رفته است و نوشته‌ای که تاریخ بنا و معمار و سازنده آن را مشخص کند وجود ندارد. بنا بر تواریخی که دوران حکومت تورانشاه را سیزده سال نوشته اند باید بنای مسجد بین سال‌های ۴۷۶ تا ۴۷۹ ه ق تمام شده باشد. (باستانی پاریزی، ۱۳۷۸: ۵۱ - ۴۹) دوران حکومت ایرانشاه در کرمان، دورانی پر آشوب بود و خوش گذرانی‌های بی حد و اندازه‌ی این پادشاه جبار، او را از انجام عملی که بتواند محبوبیت او را در میان مردم تضمین کند باز داشت. به طوری که در طول حکومت پنج ساله اش به کاری جز عیش و نوش نپرداخت و سرانجام نیز به فتوای علما با شورش مردم مواجه شد و به قتل رسید (خوافی، ۱۳۷۵: ۳ / ۲۶)

۳-۲- بناهای وقفی با عملکرد آموزشی در دوره سلاجقه کرمان

وقف یک نهاد آموزشی برای توسعه‌ی علم و دانش است. در حقیقت وقف، بر پایه‌ی آموزش و گسترش علم، نقش اساسی در تمدن‌سازی اسلامی دارد (بشیر، ۱۳۹۳: ۷۴). در تاریخ اسلام، اکثر مدارس متکی بر وقف بودند. دانشجویان و دانش‌آموزان برای تحصیل در این مدارس، هزینه‌ای پرداخت نمی‌کردند و در مقابل از همه امکانات تحصیل که در این مدارس برای اقشار جامعه محیا بود، استفاده می‌کردند. ابن‌خلدون تأثیر اوقاف را بر رواج و گسترش علوم بسیار مهم دانسته و در این باره می‌گوید:

«نمی‌دانم خداوند چه به سر مشرق آورده است، ولی گمان می‌کنم که بازار دانش همچنان در آن سرزمین رونق داشته باشد و پیوستگی سند تعلیم در دانش‌ها و دیگر صنایع ضروری و کمالی در آن سرزمین به سبب فراوانی عمران و ترقی و کمک کردن به طالبان دانش از راه وظایف و مقرری‌های است که از اوقاف برای آن معین می‌شود، و در نتیجه با توسعه یافتن اوقاف، موجبات رفاه طالبان علم فراهم می‌آید» (ابن‌خلدون؛ ۱۳۶۲: ۲/ ۸۸۷) در تاریخ آموزش اسلام، از آغاز تا قرن چهارم هجری قمری، باید از مساجد به عنوان مهمترین نهاد آموزشی نام برد که در پیشبرد و ارتقای علمی مسلمانان نقش کلیدی ایفا می‌کرد. اما از قرن چهارم به بعد به علل مختلفی از جمله ازدیاد دانشجویان و تنوع مباحث علمی، تأسیس مدارس وجه همت زمامداران حکومت قرار گرفت. طی قرون پنجم تا هفتم هجری تأسیس مدارس روبه فزونی گذاشت. این مدارس معمولاً توسط خیرین به منظور کسب ثواب اخروی و خدمت به دین بنا می‌شدند و موقوفاتی برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شد. (صفا، ۲: ۱۳۷۸/۲۳۱) با تأسیس نظامیه، نهضتی فراگیر در کشورهای اسلامی به منظور ایجاد مدارس شروع به بالیدن گرفت و بسیاری از بزرگان تحت تأثیر اقدامات وقفی نظام الملک به منظور کسب ثواب اخروی و خدمت مذهبی بفراتر تأسیس مدارس افتادند و با ایجاد مدارس و تهیّه امکانات تحصیل برای دانش‌آموزان در نشر و تبلیغ علم نقش مهمی ایفا نمودند و بسیاری از علما و دانشمندان بزرگ توانستند به مدارج علمی برسند. (همان؛ ۲۳۹)

توران‌شاه سلجوقی علاوه بر حمایت از متصوفه و اهل خانقاه، به ساخت مدرسه در ربض شهر نیز همت گماشت. این اقدام او در چارچوب تعامل دین و حکومت و پیروی از الگوی نظام الملک در ساخت نظامیه، قابل تأمل بنظر می‌رسد. با توجه به اینکه علمای مذهبی در این دوره در حال رشد و قدرت‌گیری بودند می‌توان احداث مدرسه را در راستای جلب نظر ایشان دانست. (همان؛ ۱/ ۲۵۱-۲۵۰)

وزیر ملک تورانشاه، ناصر الدین اتابک مکرّم بن علاء بوده است که خود را هم ردیف نظام الملک می‌دانست. در دورانی که آوازه و شهرت نظام الملک در تمام ممالک سلجوقی پیچیده بود و شرح خدمات و اقدامات وی در همه جا ورد زبان‌ها بود طبیعی بود که وزرای حکومت‌های کوچکتر مانند مکرّم بن علاء خود را به محک مقایسه با وی بزنند (مرسل پور، ۱۳۸۷: ۶۲). بنا بر این دور از انتظار نیست که این وزیر نیز تحت تأثیر نظام الملک، به ساخت مدارس و یا بناهای عام المنفعه پرداخته باشد. اما متأسفانه در هیچ منبعی از آن ذکری به میان نیامده است. تنها افضل الدین کرمانی در توضیح کرامات این وزیر گفته است. « محاسن ایام و وزارت او و معامله روزگار آن محتشم زیادت از آنست که این سواد احتمال شرح آن کند » (افضل الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۱۸) احتمالاً تحت تأثیر همین وزیر عمارت دوست، تورانشاه دست به اصلاح ساختار شهر بردسیر زد (مرسل پور، ۱۳۸۷: ۶۹).

اما حکومت چهل و دو ساله ی ارسلاّن شاه در کرمان توأم با کامیابی برای وی و سلامت و لذت عافیت برای مردم کرمان بود. وی ارتباط حسنه ای با مردم داشت و مردم نیز در طول حکومت با وی تعامل خوبی داشتند. در نتیجه تحت تأثیر این ارتباط دو سویه بین پادشاه و رعیت، دوره ای طولانی از رفاه و آسایش به وجود آمد. که در سایه ی آن فرصت برای انجام امور خیر فراهم آمد.

آنچه مسلم است در دورانی که امنیت تا حدی برقرار بوده است فرصت امور خیریه و اوقاف برای سلاطین و بزرگان و مردم دست داده است و بر عکس در هنگام حملات و قتل و عام‌ها نه فقط کسی به فکر خیر نیفتاده بلکه املاک و موقوفات ویران و نابود شده است. تحت تأثیر این ثبات و آرامش ارسلاّن شاه مدارسی در کرمان ایجاد کرد. همسر ارسلاّن شاه زیتون خاتون از امیر زادگان هرات بود و پس از این که ارسلاّن شاه از هویت او با اطلاع شد او را به عقد دائم خود در آورد. زیتون خاتون زنی عاقل و خیر بود و در کرمان خیراتی از جمله مدرسه و کاروانسرا و حوض انبار ایجاد کرد و موقوفاتی برای آن قرار داد. موقوفات او را عصمیته می‌گفتند. مدرسه درب ماهان و رباط یزدیان از ساخته‌های اوست (قدیانی، ۱۳۸۷: ۴۳۱؛ همت، ۱۳۸۹: ۶۸؛ صفا، ۱۳۷۸: ۲۴۴). این مدارس از محل موقوفاتی که برای آن‌ها در نظر گرفته شده بود اداره می‌شد و از محل عوائد آن‌ها تمام مخارج مدرسان و دانشجویان پرداخت می‌گردید. به هر روی سعی و اهتمام ارسلاّن‌شاه و همسرش زیتون خاتون در ساخت مدارس و مساجد متعدد در کرمان، و وقف امکانات رفاهی برای اسکان و تحصیل این علوم از اطراف و اکناف بلاد اسلامی، موجب نزدیکتر شدن علمای اهل سنت به دربار سلجوقی شد. (بادکوبه، موسایی، ۱۳۹۵: ۱۳)

ملک محمد نیز در ادامه روند اقدامات عام المنفعه اسلاف خود، دست به ساخت بناهایی از قبیل مدرسه و رباط و مسجد زد. در واقع بناهایی از این قبیل، (مسجد، مدرسه، دارالشفاء...) در جهت امور خیر و عام المنفعه ساخته می‌شده است و در چنین مواردی نفع فردی نمی‌توانسته دخیل باشد. وی در دوره چهارده ساله حکومت خود، از چنان اعتباری بر خوردار بود که پادشاهان ممالک مجاور از وی حمایت می‌طلبیدند. اگر چه آشکارا جباری خونریز بود اما بیش تر از پدر به مسائل دینی توجه کرد و توانست با

دینداری ریاکارانه اش نام نیکی از خود به یادگار گذارد. چنان که محمد بن ابراهیم مورخ محلی وی را به خاطر دادن مستمری به علما و موسسات خیریه ای که جهت طلب علم تهیدست بنا کرده بود، می‌ستاید (بویل، ۱۳۸۰: ۱۳۵).

در ایام پادشاهی او کرمان حرم عدل و آسایش شد و تحت تأثیر علم دوستی وی بیش تر صنعتگران و صاحبان حرفه‌ها فرزندان خود را به مکتب فرستادند. علاقه ی بیش از حد او به علم نجوم این شبهه را به وجود آورده بود که وی منجمی‌کاران است. تا حدی که در میان مردم به بطلمیوس شهرت یافته بود (افضل الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۲۴). وی نیز همانند اسلاف خود در جهت تثبیت تسنن و ترویج فقه حنفی از هیچ کوششی دریغ نکرد و با ساخت مدارس دینی و پرداخت جوایز نقدی به متعلمان علوم دینی اهل سنت، در جهت تثبیت فقه حنفی در قلمرو خود گام برداشت. وی در اوان سلطنت خود به اکرام و تربیت فقها و دانشمندان همت گماشت. برای آن‌ها مدارسی ایجاد کرد و حقوق دانشجویان را از محل درآمد وقفیات تعیین نمود و در این راستا دستور داد «در چهار شهر کرمان (جیرفت، بردسیر، سیرجان، بم) هر کس از فقها قدوری (مقصود کتاب المختصر قدوری در فقه حنفی) را یاد گیرد صد دینار آنچه بر دست همت خود واجب کردیم که هر سال بر وجه ادرار رسانیم. و اگر جامع الصغیر یاد گیرد پانصد دینار بدهیم و اگر جامع الکبیر یاد گیرد هزار دینار به وی رسانیم تا بدین امید هزار مرد فقیه و مفتی شوند» (همان: ۲۹ - ۲۸) وی با اهل علم و شعرا رابطه ی خوبی داشت و در کرمان کتابخانه ای تأسیس کرد که دارای پنج هزار جلد کتاب خطی بود و آن کتابخانه را وقف مسجد نمود تا عموم مردم بتوانند از آن بهره مند شوند. (همت، ۱۳۸۹: ۶۸)

۳-۳- بناهای وقفی با عملکرد اجتماعی و عام المنفعه در دوره سلاجقه کرمان

در بعد اجتماعی وقف شامل مواردی از جمله شفاخانه (بیمارستان)، آب انبار و قنات، بازار، مزرعه، کاروانسرا می‌شود. قاورد سرسلسله سلاجقه کرمان، در طول حکومت بیست و چهارساله ی خود غیر از فعالیت هایی که در راستای بهبود شرایط زندگی مردم انجام داد کوشید تا با انجام اقداماتی امنیت را در راهها برقرار کند. چنان که در راه سیستان و دره ی قاورد، در چهارفرسنگی اسفه [سنیج یا اسپه] (سپه) در حوالی زاهدان (امروزی) [حصاری ساخت. افضل الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۱۰]

از دیگر اقدامات وی در این زمینه، ساخت میل هایی در طول مسیر و راه های تجاری بود. این میل ها از چند فرسنگی دیده می‌شد و از حیرانی و سردرگمی مسافران و تجار، جلوگیری می‌کرد. به دستور وی در کنار این میل ها، حوض و حمام ساخته شد تا مسافران خسته راه در این مکان جانی تازه کنند. (همان جا) علاوه بر این میل ها، به امر ملک قاورد، کاروانسراها، حصارها، مناره ها، و چاههای آب بسیاری در طول مسیرهای تجاری ایالت کرمان ساخته شد. «ملک قاورد در سردره که ابتدای امیال از آنجاست، خانی و حوض آب و حمام از آجر ساخته و دو مناره مابین کرک و فهرج بنا کرده، یک مناره چهل گز ارتفاع و دیگری بیست و پنج گز، و در تحت هر مناره، کاروانسرا و حوض» (افضل الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۱۰)

وی هم چنین در بین راه کرمان و یزد و راه راور و خراسان، آب انبارها و میل هایی ساخته است که بعضی هنوز بنام وی مشهور است. (گلاب زاده، ۱۳۸۵: ۴۸)

رونق اقتصادی و امنیتی که در دوره ی ملک قاورد به وجود آمد زمینه ی مناسب برای رشد و توسعه ی نهادهای آموزشی را فراهم نمود. در واقع در سایه ی امنیت، آسایش و ثبات طولانی مدت در این دوره بود که اقتصاد رونق گرفت و تجارت سیر تحول و پیشرفت خود را آغاز کرد و در پرتو آن، فرصت برای انجام امور خیریه و عام المنفعه از جمله وقف حاصل آمد.

ملک محمد بر خلاف توران شاه و ارسلان شاه که به ساخت و ساز در بردسیر بیش تر اهمیت می دادند علاوه بر بردسیر در بم و جیرفت نیز بناها و خیرات زیادی دارد. کاروانسرای سر بیژن در جیرفت از ساخته‌هایی است که او ایجاد کرده است. وی در حومه بردسیر، بیمارستان، مدرسه، رباط، مسجد و آرامگاه خود را ساخت. خیرات او به اندازه ای زیاد بود که افضل آن را زیادت از حد شرح می‌داند (مرسل پور، ۱۳۸۷: ۱۵۰). کرمان در عهد طغرل شاه بن محمد نیز به سیر در مسیر آبادانی ادامه داد، وی که مملکتی آرام و بختی مساعد داشت به خوشگذرانی و شرب مداوم پرداخت و مردم نیز به تاسی از او روزگار را به عیش و عشرت گذراندند (مرسل پور، ۱۳۸۷: ۸۳). منابع دوره ی سلجوقی از اقدامات وقفی طغرل به طور مستقیم سخنی نیاورده اند. غفاری کاشانی در مورد وی می‌نویسد: «خلایق در زمان او در کمال فراغت بودند. از او و ارکان دولتش عمارات و آثار خیر بسیار بوده [است]» (غفاری کاشانی، ۱۳۴۳: ۱۱۸). آن چه در این بین از آن سخن آورده شده است اقداما مردم پسند و مذهبی اتابک مؤیدالدین ریحان است.

یکسال آخر حکومت طغرل شاه توأم با قدرت مطلق ریحان بود. وی وزیری عاقل و دارای اندیشه ای کامل و مروتی فراگیر بود و در اوایل پادشاهی ملک طغرل در میدان مسابقه با اتابک علاء الدین بزقش به رقابت پرداخت. خواجه در عین حال بسیار نیکو کار بود و آثار کارهای نیک وی در کرمان بسیار است که می‌توان به بنای ساختمان‌ها، مدارس و خانقاه‌ها اشاره کرد. وی همچنین در جهت رفاه حال مسافران وقفیاتی را مد نظر قرار داد و در مسیر راه‌ها کاروانسراهای متعددی بنا کرد تا توشه راه را در اختیار مسافران قرار دهند. وی هم چنین وقفیاتی را برای مسافران خانه خدا اختصاص داده بود (صرفی، ۱۳۸۳: ۵۶). ساخت خانقاه توسط وی از گرایش وی به متصوفه حکایت می‌کند. احتمالاً وی در دوران حکومت طغرلشاه که کرمان در آسایش و راحتی بود، دست به ساخت این ابنیه زده است و بعید می‌نماید در دوره پر آشوب پسران طغرل، اتابک فرصت انجام این امور را یافته باشد. محمد بن ابراهیم از ساخت بیمارستانی در خبیص، توسط اتابک یاد می‌کند که

در زمان نگارش کتابش اگر چه خرابه ای بیش نبوده است اما هنوز تعدادی از اوقاف آن در دست بعضی از اطبا کرمان که از فرزندان طیبی که در آنجا به مداوای مردم مشغول بوده، بوده است (مرسل پور، ۱۳۸۷: ۱۵۱).

دیری نپایید که ثبات و امنیت پدید آمده در دوره سلاجقه پس از افول ستاره ی عمر طغرل، به دلیل بروز کشمکش‌های داخلی میان وارثان تاج و تخت، به سستی گرایید و آشفتگی کرمان، در دوران کشمکش فرزندان طغرل، باعث از رونق افتادن وقف و موقوفات شد، وقف دوره ای از رکود را تجربه کرد و به تبع اقدامات عمرانی چندانی در این دوره نباید انتظار داشت. در واقع آن‌ها بر خلاف اسلاف خود که با برپایی موقوفات و بناهای عام المنفعه نام نیکی از خود به یادگار گذاشتند و مورد ستایش شاعران بسیاری قرار گرفتند. با کشمکش‌های پی در پی بر سر تاج و تخت و دامن زدن به آشفتگی‌ها فرصت انجام امور خیریه را نه تنها بدست نیاوردند بلکه به دلیل سستی‌ها و کژی‌هایی که در پایان دوره از خود نشان دادند دیگر هیچ شاعری نیز به آن‌ها توجه نمی‌کرد (حلمی، ۱۳۸۳: ۵۵).

از مورخان و طبیبان کرمان در این دوره، افضل الدین ابو حامد کرمانی است. وی در اواخر عهد قاوردیان و انقلابات کرمان و عهد تسلط غزان، در کرمان به سر می‌برده است. مدتی عمل انشاء پسران طغرل را بر عهده داشته است. در این دوره تحت حمایت زمامداران سلجوقی به تأسیس مدارس و بیمارستان‌هایی در کرمان پرداخت و خود نیز در رأس پزشکان دیگر به طبابت مردم مشغول شد. دور از انتظار نیست اگر افضل موقوفاتی را برای این مدارس و بیمارستان‌ها قرار داده باشد اما متأسفانه در منابع از آن سخنی به میان نیامده است. وی در مورد حمایت اولاد طغرل از اقداماتش می‌گوید. « بحکم آن که مرا معایش بسیار فرموده بودند و شروع در مدارس و مارستانات کرده، مرا تکلیف اعمال نمودند. » (محمد بن ابراهیم، ۱۳۴۳: مقدمه/۷۸)

در دورانی که اتابک سعد بن زنگی به کرمان لشکر کشید و در دوره وزارت صلاح الدین مظفر، افضل به خاطر موقوفه ای که در اختیار داشت دچار گرفتاری شده و محکوم به جریمه می‌شود. اما با وساطت صلاح الدین مظفر رهایی می‌یابد. چنان که خود وی عنوان می‌کند « چند کرت دیدم که بیچاره ای به خدمت وی می‌پیوست (رکن الدین) گریان و نالان و آن خداوند مال او بر خود گرفته است و او را خلاص داده و از آن جمله یکی منم که از جهت وقفی که به دست دارم هر به دو سه روز چیزی می‌خواستند و ده دینار و پانزده دینار رکنی حوالت می‌کردند و من به حبه ای در مانده بودم و آن خداوندگار، حرس الله ظل دولته بر من ابقامی فرمود و رخصت نداد که حبه ای از من به زیان شدی » (افضل الدین کرمانی، ۱۳۳۶: ۲۱). از این سخن افضل این گونه می‌توان استنباط کرد که افضل متصدی اوقافی بوده است و از جهت این موقوفه به بلای مصادره دچار شده است. این رخ داد ظاهراً در زمان تسلط ملوک شبانکاره که کرمان در آشفتگی به سر می‌برد، روی داده است.

در طول هشت سال قتل و غارت غزها، اوضاع کرمان نابسامان شد و به تبع موقوفات نیز رونق خود را از دست داد. ملک دینار در طول حکومت خود در مقام امیری کرمان در جهت رونق و پیشرفت اقتصاد کرمان و جلب خاطر علما گام‌هایی برداشت (بویل، ۱۳۸۰: ۱۷۳). در مدت هشت سال، که عهد ملک او بود، مرهم راحتی بر جراحت دلها نهاد و رایحه ی رفاهیتی به مشام اهل کرمان رسید. و بعد از جدی مدفع، خصی مفرط روی نمود، و هرگز در بردسیر چهارصد من گندم به دیناری نبوده است مگر در عهد او، و در بیم هفتصد من، و در جیرفت هزار من (خبیسی، ۱۳۴۳: ۵۶۶). آثار وی در کرمان آب انباری است که به حوض ملک مشهور است (وزیری، ۱۳۸۵: ۴۱۵).

نایب ملک دینار، خواجه جمال کریدی نیز به تأسی از وی، در جهت آبادانی و رفاه حال مردم دست به اقداماتی زد: « از جمله رایج‌های صائب او یکی آن بود که حصار زرند عمارت کرد، و مقام خویش آنجا برد، و غله ای که دید ذخیره کرد، و راه خراسان و یزد و عراق که بردسیر را گشاده بود بسته شد، و مقصد تجارت دارالملک زرند افتاد. » (همان: ۵۶۸) در مورد روحیه ی خیرخواهی وی آمده است: « او در حصار زرند خوان کرم نهاد و دست سخاگشاد، و در هر کس که به وی رسید او را غریق انعام و رهین اکرام خویش می‌گردانید و غله در پشت چهارپای خویش به خانه ی او می‌فرستاد » (همان جا) پسر ملک دینار، فرخشاه نیز در کرمان به توصیه ی ناصح الدین ابوزهبیر، وزیر ملک دینار، دست به ساخت مدرسه ای زد:

ناصر الدین ابوزهبیر وزیر ملک دینار او را تقریر کرد که « ترا خیری می‌باید کرد و بناء مدرسه فرمود و به فلان دانشمند داد، و پدر تو غم مرقد خویش نخورد و در سرای آخرت خانه ای نساخت، و در سرای دارالملک مدفونست، او رابعه و مشهدی می‌باید ساخت » بر مقتضی امر هر دو بنا فرمود. (همان: ۶۰۵) حوض ملک از بناهای ملک دینار احتمالاً همانجا ساخته شده باشد که مدرسه و مقبره ی ملک بود.

بعد از وی کرمان درتزلزل و اضطراب افتاد تا این که خواجه جلال الوزرا از طرف سلطان تکش خوارزم شاه به حکمرانی کرمان فرستاده شد. وی با دیدن نا بسامانی و آشفتگی کرمان در جهت عمران و آبادانی آن همّت گماشت و برای جلب خاطر علماء و ائمه و بزرگان مواجبی را تعیین کرد.

« و خواجه چون وحشت اطلال کرمان مشاهده کرد، و آن مقصور هفت سوره مغموردیده منطمس شده و آن منازل مندرس گشته. چنانچه عادت بزرگان و محتشمان باشد همت و نهمت بر عمارت دل و گل مقصور فرموده، جمله ی بزرگزادگان و علما و ائمه را معیشتی سنی و مواجبی هنی داد، و وتوقیع ادرات شگرف ارزانی داشت. و از خاص مکارم خویش، خانقاهی معظم مشتمل بر دارو خانه بنا فرموده، و اوقاف معمور بر آن نهاد» (همان: ۶۲۴)

با ورود ملک زوزن به کرمان، موقوفات مورد بی مهری قرار گرفته و رفتار این حاکم موقوفه خور خشم و عصبانیت علما را برانگیخت. در نتیجه در اثر اقداماتی که در مخالفت با وی انجام دادند از شهر اخراج شده و زیر نظر گرفته شدند. (همان: مقدمه/۳۲) به دستور وی تمام قباله‌های اوقاف را پیش او بردند و وی مجموع آن‌ها را در آب شست و اوقاف را متصرف شد (تتوی؛ قزوینی، ۱۳۸۲: ۶ / ۳۷۹۸)

نتیجه گیری

از آنچه گذشت و با مطالعه ی کتب تاریخی می‌توان چنین استنباط نمود که نهاد وقف همزاد با انسان و ریشه در فطرت و سرشت پاک هر انسانی دارد. در نتیجه این سنت حسنه در تمام جوامع انسانی، صرف نظر از نوع عقاید و گرایش‌های مذهبی جریان دارد و سابقه آن به دوران‌های تاریخی بسیار دور برمی‌گردد.

در زمان سلجوقیان، دامنه ی موقوفات گسترش یافت. قدیمی‌ترین موقوفات به جای مانده در شهر کرمان، مربوط به قرن پنجم هجری و دوران حاکمیت آل قاوردر بر کرمان است. سلاجقه کرمان، تحت تأثیر سلاجقه بزرگ، در امر وقف جدیتی تام داشتند و در این راستا دست به عمران و آبادی کرمان زدند و تحولات شهر سازی را ایجاد کردند. افزایش موقوفات، رفاه اجتماعی و توسعه شهری را در پی داشت و منجر به ایجاد بسیاری از بناها و حتی مراکزی شد که در راستای تأمین نیازهای عام المنفعه مردم گام برمی‌داشتند.

اقدامات قاوردر، سرسلسله سلاجقه ی کرمان، موجب پدید آمدن ثبات و آرامش در کرمان شد و جانشینان وی تحت تأثیر این ثبات و آرامش، با خیالی آسوده به اداره ی منطقه حکومتی خویش پرداختند و انجام امور خیریه و بنیاد موقوفات را وجه همت خود قرار دادند. در واقع افزایش مدارس و ساخت نظامیه‌ها توسط نظام الملک و بنای مساجد و مکان‌های خیریه، بر تعداد موقوفات این دوره افزود چرا که سلاجقه کرمان نیز با الگو برداری از شیوه ی نظام الملک، به ساخت مدارس و دیگر بناهای عام المنفعه پرداختند. ثبات و امنیت به وجود آمده در این دوره به حدی بود که حتی زنان این خاندان به ساخت مدارس و بناهای عام المنفعه پرداختند و به منظور بقا و پایداری این ابنیه، موقوفاتی را به آنها اختصاص

دادند. هر چند تعیین موقوفات تأثیر چندانی بر دوام این ابنیه نگذاشت زیرا این امور موقتی بود و پس از گذشت مدت زمانی طولانی، موقوفات کارایی خود را از دست دادند، بطوری که امروزه از بناهای دوره سلجوقی جز مسجد ملک اثری باقی نمانده است

منابع و مأخذ

ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۶۲). **مقدمه ابن خلدون**، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: علمی فرهنگی.

الهیاری، فریدون؛ مرسل پور، محسن. (۱۳۸۷). «**سیاست مذهبی سلجوقیان کرمان**». مجله پژوهش‌های تاریخی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ص ۸۹ - ۵۷
آیتی، عبدالمحمد. (۱۳۸۳). **تحریر تاریخ و صاف**، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

افضل الدین کرمانی، ابوحامد. (۱۳۲۶). **بدایع الازمان فی وقایع کرمان**، تصحیح مهدی بیاتی، تهران: چاپخانه دانشگاه.

بادکوبه، احمد؛ موسایی فاطمه. (۱۳۹۵). **نفوذ اسماعیلیه در کرمان دوره سلجوقی**، پژوهش نامه مذاهب اسلامی، شماره پنجم، ص ۲۹-۹
باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۷۸). **آثار تاریخی کرمان**، کرمان: مرکز کرمان شناسی.

---- (۱۳۹۴). **وادای هفتواد**، تهران: علم. بشیر، حسن. (۱۳۹۳). **فرهنگ وقف، مفاهیم بنیادین فرهنگ اسلامی**، تهران: فرهنگ اسلامی

بنداری اصفهانی، فتح بن علی. (۲۵۳۶). **تاریخ سلسله سلجوقی**، ترجمه محمدحسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی.

بویل، جی. آ. (۱۳۶۰). **تاریخ ایران کمبریج** (از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان). ترجمه حسن انوشه، تهران: امیر کبیر.

تتوی، قاضی احمد؛ قزوینی، آصف خان. (۱۳۸۲). **تاریخ الفی**، تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد، تهران: علمی فرهنگی.

جنید شیرازی، معین الدین ابوالقاسم. (۱۳۲۸). **شذالازار فی حط الاوزار عن زوارالمزار**، تصحیح محمد قزوینی؛ عباس اقبال، تهران: چاپخانه مجلس.

حسینی، صدرالدین ابوالحسن علی بن ناصر بن علی. (۱۳۸۰). **زبده التواریخ، اخبار الامراء و الملوك السلجوقیه**، ترجمه رمضان علی روح الهی، تصحیح محمد نورالدین، تهران: ایل شاهسون بغدادی.

حلمی، احمد کمال الدین. (۱۳۸۳). **دولت سلجوقیان**، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
خداوردی، محمد. (۱۳۸۶). **تاریخ سیاسی و اجتماعی کرمان از ورود اسلام تا پایان آل بویه**، کرمان: کرمان شناسی

خوافی، شهاب الدین عبدالله. (۱۳۷۵). **جغرافیای حافظ ابرو**، تصحیح صادق سجادی، تهران: بنیان دفتر نشر میراث مکتوب

خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین. (۱۳۷۲). **مآثرالملوک**، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: رسا.

---- (۱۳۸۰). **حیب السیر**، تهران: خیام.

خوشرو، فاطمه. (۱۳۸۷). **آثار تاریخی کرمان**، کرمان: ودیعت.

- دریاگشت، محمد رسول. (۱۳۷۰). **کرمان در قلمرو تحقیقات ایرانی**، کرمان: کرمان شناسی.
- دیولافوا، ژن. (۱۳۷۷). **سفرنامه مادام دیولافوا**، ترجمه همایون فره وش، تهران: قصه پرداز.
- روستا، جمشید. (۱۳۹۲). «**تحلیلی بر چگونگی منصب وزارت دولت سلاجقه کرمان**». مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، شماره ۱؛ ص ۹۵ - ۷۵
- ستار زاده، ملیحه. (۱۳۹۰). **سلجوقیان**، تهران: سمت.
- سلیمی فر، مصطفی. (۱۳۷۰). **نگاهی به وقف و آثار اقتصادی اجتماعی آن**، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- سهرابی، صدیقه. (۱۳۹۰). **قراختائیان کرمان**، کرمان: کرمان شناسی.
- شاردن. (۱۳۷۲). **سفرنامه شاردن**، ترجمه اقبال یغمائی، تهران: توس.
- صرفی، محمدرضا. (۱۳۸۳). **نامه افضل کرمانی**، کرمان: دانشگاه شهیدباهنر کرمان.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۷۸). **تاریخ ادبیات در ایران**، تهران: فردوس.
- غفاری کاشانی. (۱۳۴۳). **تاریخ جهان آرا**، تهران: کتابفروش حافظ.
- قاسم زاده، اطهره. (۱۳۹۰). «**وقف در کرمان از اسلام تا مشروطه**». مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۷۳؛ ص ۳۲ - ۱۳
- قدیانی، عباس. (۱۳۸۷). **فرهنگ جامع تاریخ ایران**، تهران: آرون.
- گلاب زاده، محمدعلی. (۱۳۸۵). **کرمان پگاه هستی**، کرمان: کرمان شناسی.
- محمدبن ابراهیم. (۱۳۴۳). **سلجوقیان و غزدر کرمان**، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: کتابخانه طهوری.
- مرسل پور، محسن. (۱۳۸۷). **تاریخ سلجوقیان کرمان**، کرمان: کرمان شناسی.
- مستوفی، حمدالله. (۱۳۶۴). **تاریخ گزیده**، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- معین، محمد. (۱۳۸۷). **فرهنگ فارسی**، تهران: میلاد.
- میرخواند، محمدبن خاوندشاه بلخی. (۱۳۸۰). **تاریخ روضه الصفا**، تصحیح جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- ناشناس. (۲۵۳۵). **تاریخ شاهی**، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- وزیری، احمدعلی خان. (۱۳۸۵). **تاریخ کرمان**، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: علم.
- همت کرمانی، محمود. (۱۳۸۹). **تاریخ مفصل کرمان**، کرمان: کرمان شناسی